

بررسی فرآیندهای آوایی در کتاب نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی قزوینی

سیدرضا حسینی یکتا، سپیده سپهری*، مریم امیرارجمند

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، زبانهای خارجه و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

سال هفدهم، شماره دهم، دی 1403، شماره پی در پی 104، صص 21-35

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7389>

نشریه علمی سبک شناسی و تحلیل متون نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: فرایندهای آوایی، نتیجه تأثیر آواها بر یکدیگر و دگرگونی همخوانی است که به هنگام همنشینی در زنجیره گفتار روی میدهد. این فرایندها طبق قوانین زبان شناسی و ادبی از جمله مطابقت قانون، اصل زحمت کمتر، قرینه‌سازی، ضرورت شعری، آسانگردانی، سبک سازی سخن صورت میگیرد. هدف این پژوهش بررسی فرآیندهای آوایی در کتاب نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی است.

روش مطالعه: روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بر پایه شیوه سندکاوی و تحلیل محتوا است و جامعه آماری نیز کتاب نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی است.

یافته‌ها: نزهت‌القلوب در زمره آثار تاریخی-جغرافیایی است که علاوه بر ارائه اطلاعات مهم درباره مناطق مختلف ایران آن دوره، از ویژگیهای برجسته ادبی و زبانی بهره‌مند میباشد. ساختار دستوری واژگانی کتاب نزهت‌القلوب از زبانهای پهلوی و فارسی کهن تأثیر فراوانی پذیرفته است و نویسنده در سرتاسر کتاب به این فرآیندهای آوایی اهتمام زیادی داشته است.

نتیجه‌گیری: فرایند آوایی در کتاب نزهت‌القلوب بصورت‌های؛ ابدال (جایگزینی)، تخفیف (سبک سازی)، ترخیم (کوته سازی)، قلب بکار رفته است. ابدال مصوتها به دو صورت ابدال در صامت‌ها و ابدال در مصوت‌های مجاور و غیرمجاور، تخفیف بصورت تخفیف آغازین، میانی و پایانی (ترخیم) و فرایند آوایی اضافه یا افزایش (addition) نیز به شکل اضافه در آغاز واژه، اضافه در میانه واژه، اضافه در پایان واژه آمده است. در واقع دگرگونیهایی آوایی بمعنی تخفیف و ابدال و ترخیم و قلب و نحت در نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی دلایل گوناگونی دارند که مهمتر از همه آسانسازی و گریز از سنگینی تلفظ است.

تاریخ دریافت: ۱۹ بهمن ۱۴۰۲
تاریخ داوری: ۲۰ اسفند ۱۴۰۲
تاریخ اصلاح: ۱۰ فروردین ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

نزهت‌القلوب، حمدالله مستوفی، آواشناسی، قرن هشتم

* نویسنده مسئول:

Spdsepehri@riau.ac.ir

76505015 (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examination of phonetic processes in the book Nozhat al-Qulob by Hamdullah Mostowfi Qazvini

S.R. Hosseini Yekta, S. Sepehari*, M. Amirarjamand

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature, Foreign Languages and Social Sciences, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 08 February 2024

Reviewed: 10 March 2024

Revised: 29 March 2024

Accepted: 10 May 2024

KEYWORDS

Nozhat al-Qulob, Hamdullah Mostowfi, phonetics, the 8th Qur'an

*Corresponding Author

✉ Spdhsepehri@riau.ac.ir

☎ (+98 21) 76505015

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Phonetic processes are the result of the effect of sounds on each other and the transformation of consonance that occurs when they are combined in the speech chain. These processes are carried out according to linguistic and literary rules, such as conformity to the law, the principle of less effort, analogy, poetic necessity, simplification, stylization of speech. The purpose of this research is to investigate phonetic processes in Hamdullah Mostofi's book Nozhat al-Qulob.

METHODOLOGY: The method of this research is descriptive-analytical based on the method of document analysis and content analysis, and the statistical population is the book Nozha al-Qulob by Hamdallah Mostofi.

FINDINGS: Nozhat al-Qolub is one of the historical-geographical works that, in addition to providing important information about the different regions of Iran of that period, has outstanding literary and linguistic features. The grammatical and lexical structure of the book Nozhat al-Qolub has been heavily influenced by the Pahlavi and Farsi languages, and the author has paid great attention to these phonetic processes throughout the book.

CONCLUSION: Phonetic process in the book Nozha al-Qulob in the forms; Abdal (substitution), al-Yut (simplification), tarkhim (abbreviation), al-Khalb are used. The change of vowels is in two forms: change in consonants and change in adjacent and non-adjacent vowels, reduction in the form of initial, middle and final reduction (reduction) and the phonetic process of addition or increase (addition) also in the form of addition at the beginning of the word: add in the middle of the word: add It is at the end of the word. In fact, the phonetic transformations in the meaning of reduction, abdal, tarkhim, heart, and carving in Hamdallah Mostofi's Nazha al-Qulob have various reasons, the most important of which is to simplify and avoid the heaviness of pronunciation.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.17.7389>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 0	 0

مقدمه:

زبان مهمترین ابزاری است که انسان برای برقراری ارتباط از آن استفاده میکند. زبان از ابتدا به این گونه و شکل نبوده و به دلایل گوناگون دگرگونیهای فراوانی را پذیرفته است و گویشها و زبانهای متعددی از آن به وجود آمده‌اند. زبان فارسی در گذر زمان، فراز و فرودهای زیادی را طی کرده، ولی همچنان استوار و پابرجا باقیمانده است. راز جاودانگی زبان فارسی را میتوان در داشتن پشتوانه فرهنگی و زبانی غنی دانست، فرهنگی که شاعران و نویسندگان بزرگی چون حمدالله مستوفی را پرورش داده است تا با آثار برجسته خویش بر اعتلای فرهنگ و ادب فارسی بیفزایند.

در طول تاریخ، پیوسته عوامل بسیاری سبب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زبانهای گوناگون بر یکدیگر بوده‌اند. علاوه بر رابطه تنگاتنگ و اشتراکهای فراوانی که بین زبانهای یک خانواده زبانی هست، کمتر زبانی یافت میشود که از این اثرگذاری و اثرپذیری در امان بوده باشد. آثاری چون نزهة القلوب بخش سترگی از گنجینه‌های فرهنگی کشور هستند و نگهداری و نگهداری و بهره برداری از این آثار، همچون آیین تمام نمای فرهنگی مردمانی هستند که در طول تاریخ در پهنه وسیعی از این مرز و بوم میزیسته‌اند و به راستی سرمایه ارزشمندی است که در بردارنده هویت ملی ماست.

حمدالله مستوفی را میتوان از مورخان، جغرافیدانان و فضایی بر جسته نیمه اول قرن هشتم دانست که با توجه به آثارش میتوان تسلط او را در تاریخ نگاری، جغرافیایوسی، شعر و شاعری و احاطه به زبانهای عربی و مغولی بخوبی مشاهده کرد.

نزهة القلوب اثری است چند دانشی و باید آن را مفصلترین و مهمترین تألیف حمدالله مستوفی دانست. این کتاب مشتمل بر یک فاتحه (شامل مقدمه و دیباجه)، ۳ مقاله و یک خاتمه. مقدمه شامل گاه‌شناسی و گزارشی از زمین و شرح هفت اقلیم است؛ در دیباجه ربع مسکون و پیرامون آن ذکر شده‌است؛ و مقاله اول و دوم در باب علوم طبیعی و انسان‌شناسی است. حمدالله مستوفی که مأمور ارشد مالیاتی در دولت ایلخانان بوده، در نوشتارهای اقتصادی از دفاتر مالیاتی ایلخانان بهره فراوان برده است. همچنین در توصیف شرایط طبیعی و وضعیت شهرها و روستاهای فعال ایران در آن زمان، به مواردی همچون رودخانه‌ها، نهرهای آب، معادن و راههای کاروان‌رو اشاره کرده است. نویسنده در مقدمه از منابع خود چون صورالاقالیم ابوزید بلخی، المسالک و الممالک ابن خردادبه، عجایب‌المخلوقات زکریای قزوینی، آثار البلاد قزوینی، فارسانامه ابن بلخی، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، ولایت کرمان خواجه ناصرالدین منشی کرمانی، التفهیم ابوریحان بیرونی، تاریخ اصفهان عبدالرحمن بن محمد بن اسحق اصفهانی، عجایب‌الاخبار، معجم‌البلدان یاقوت حموی، صور الکواکب شیخ ابوالحسن صوفی، اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی، تنسوق‌نامه ایلخانی خواجه نصیرالدین طوسی، و جهان‌نامه یاد کرده است.

آواشناسی بررسی علمی آواهای زبان بشری است. بعبارت دیگر، آواشناسی به بررسی آوایی میپردازد که سخن‌گویان زبانهای گوناگون در گفتار خود به کار میگیرند (مدرسی قوامی، 1390). آواهای زبانی را میتوان بر اساس ویژگیهای تولیدی^۱، فیزیکی و شنیداری بررسی نمود.

آواشناسی از شاخه‌های اصلی علم زبانشناسی است که به بررسی و مطالعه صداهای موجود در زبان میپردازد. پیشینه مطالعه اصوات به بیش از 1300 سال پیش برمیگردد. در طی قرون گذشته جنبه‌های مختلفی از زبان بشر بر محققان و دانشمندان آشکار شده و رفته رفته علم آواشناسی را به تکامل رسانده. آواشناسی یا فونتیک،

¹ -articulatory

شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که مطالعه اصوات گفتار انسان را تشکیل می‌دهد و با خواص فیزیکی اصوات گفتاری (آواها) ارتباط دارد که عبارتند از: تولید فیزیولوژیکی آنها، خواص آکوستیک، درک مخاطب و وضعیت نروفیزیولوژیکی. از سوی دیگر، واج‌شناسی به تعیین مشخصات دستوری چکیده سامانه‌های اصوات مربوط می‌شود. در واقع مطابق تعریف استاد فرشیدورد «آواشناسی، دانش بررسی آواها و اصوات زبان است. مراد از آواها و اصوات، واحدهای صوتی زبان است؛ یعنی اجزائی، که بر اثر ترکیب با هم واحدهای بزرگتر زبان را تشکیل می‌دهند» (فرشید ورد، 1390: 41). به زبانی ساده‌تر میتوان گفت که دو موضوع اساسی در دانش آواشناسی، همخوان (صامت) و واکه (مصوت) میباشند.

بیان مسئله و پیشینه تحقیق:

هدف این پژوهش، بررسی فرآیندهای آوایی در کتاب نزهت‌القلوب و یافتن پاسخی روشمند برای پرسشهای زیر است:

- پرسش اصلی: فرآیند ابدال در متن نزهت‌القلوب چگونه صورت میگیرد؟
 - فرآیند کاهش و افزایش در کتاب نزهت‌القلوب چطور به وقوع میپیوندد؟
- بر این اساس تلاش خواهیم کرد که تا با بررسی کتاب نزهت‌القلوب به بررسی فرآیندهای آوایی در این کتاب پرداخته و مهمترین موارد موجود در این زمینه را مورد شناسایی و تحلیل قرار دهیم.

پیشینه پژوهش:

طبق بررسیهای صورت گرفته تا کنون درباره بررسی فرآیندهای آوایی در نزهت‌القلوب، مقاله و یا کتابی نگاشته نشده است. ولی درباره زندگی نویسنده و آثار وی پژوهشهایی صورت گرفته است.

از جمله پژوهشهایی که درباره این نویسنده برجسته صورت گرفته است میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

- 1- مقاله‌ای با عنوان «نزهت‌القلوب»، نوشته جمشید کیانفر (مجله آینه میراث، 1382، شماره 21)، نویسنده در این مقاله به بررسی موضوعات نزهت‌القلوب و عناوین آن پرداخته و شرح حال مختصری از نویسنده ارائه میدهد.
- 2- مقاله دیگری با عنوان «جای‌شناسی مذهبی ایران عصر ایلخانی با تکیه بر نزهت‌القلوب» نوشته جلیل قصابی گزکوه، (مجله مطالعات تاریخ اسلام، 1396، ش 33)، نویسنده در این پژوهش به ارائه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی مهم در نزهت‌القلوب اشاره و سپس عنوان میدارد که چنین منابعی کمک زیادی به بازآفرینی سیمای مذهبی در ایران دارند.

- 3- مقاله‌ای با عنوان «اهمیت نزهت‌القلوب در تبیین جغرافیای تاریخی و تعیین جای نامهای کردستان دوره ایلخانی»، نویسنده محسن رحمتی، (مجله تاریخ نگاری، 1398، 24)، در این مقاله ضمن اشاره به مستندات اراده شده در کتاب نزهت‌القلوب درباره کردستان دوره ایلخانی، به اهمیت مکانهای ذکر شده از جنبه تاریخی و جغرافیایی در آن دوره اذعان میکند.

- 4- مقاله‌ای با عنوان «گزارشی درباره منابع نزهت‌القلوب»، نویسنده محسن الویری، (مجله آینه میراث، 1381، ش 16)، مهمترین آثار و منابع مورد استفاده حمدالله مستوفی در کتاب نزهت‌القلوب را معرفی و اطلاعاتی درباره برخی از مهمترین منابع مذکور ارائه میدهد.

روش پژوهش: روش این پژوهش، تحلیلی و توصیفی و بر پایه شیوه سندکاوی و تحلیل محتوا است. بطوری که ابتدا به گردآوری داده‌های خام پژوهش از طریق یادداشت برداری نمونه‌های موجود در کتاب نزهة القلوب پرداخته و در ادامه مطابق انواع فرآیندهای آوایی آن را مورد دسته‌بندی و تحلیل قرار داده‌ایم.

بحث و بررسی:

فرآیندهای آوایی (phonetic process)

فرآیندهای آوایی، نتیجه تاثیر آواها بر یکدیگر و دگرگونی همخوانی و واکه‌ای است که به هنگام همنشینی در زنجیره گفتار روی میدهد. این فرآیندها «طبق قوانین زبان شناسی و ادبی از جمله مطابق اصل زحمت کمتر و قرینه سازی و ضرورت شعری و آسان گردانی و سبک سازی سخن صورت میگیرد. این دگرگونیها در انواع مختلف زبان با هم متفاوتند: از جمله، این تغییرات در زبان عامیانه و رسمی و شعر و زبان قدیم با هم تفاوت دارند» (فرشیدورد، 1388، 571).

آواشناسی یا **فونتیک**، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که مطالعه اصوات گفتار انسان را تشکیل میدهد و با خواص فیزیکی اصوات گفتاری (آواها) ارتباط دارد که عبارتند از: تولید فیزیولوژیکی آنها، خواص آکوستیک، درک مخاطب و وضعیت نرو فیزیولوژیکی. از سوی دیگر، واج‌شناسی به تعیین مشخصات دستوری چکیده سامانه‌های اصوات مربوط میشود. در واقع مطابق تعریف فرشیدورد «آواشناسی، دانش بررسی آواها و اصوات زبان است. مراد از آواها و اصوات، واحدهای صوتی زبان است؛ یعنی اجزائی، که بر اثر ترکیب با هم واحدهای بزرگتر زبان را تشکیل میدهند» (فرشید ورد، 1390: 41). به زبانی ساده‌تر میتوان گفت که دو موضوع اساسی در دانش آواشناسی، صامت و مصوت میباشند.

همخوان یا **صامت** یا حرف بی‌صدا، آن دسته از آواهای زبان هستند که هنگام تولیدشان بست یا تنگی در دستگاه گفتار وجود داشته باشد (ثمره، 1391: 90) و میتواند در آغاز، وسط و پایان قرار گیرد. به همخوان، **صامت** و حرف بی‌صدا نیز گفته شده است.

امروزه در زبان فارسی، 23 همخوان داریم که اینها با 32 نویسه و حرف، ارائه میشوند. این تفاوت شمارشی بدین دلیل است که برای نشان دادن بعضی از همخوانها، چند نویسه وجود دارد. برای مثال، چهار نویسه ذ، ز، ض، ظ برای نشان دادن همخوان /z/ استفاده میشوند. زبان فارسی ۲۳ صامت دارد که عبارتند از: ع (ع)، ب، پ، ت (ط)، ج، چ، ح (ه)، خ، د، ر، ز (ذ، ض، ظ)، ژ، س (ث، ص)، ش، ف، ق (غ)، ک، گ، ل، م، ن، و، ی (ذوالنور، 1373، 75).

حرفهای قراردادی که برای همخوانهای زبان فارسی نهاده شده‌است نیز عبارتند از:

ب (انفجاری، انسدادی)، پ (انفجاری، انسدادی)، ت، ط (انفجاری)، ث، س، ص (سایشی)، ج (انفجاری)، چ (انفجاری)، ح، ه (سایشی)، خ (سایشی)، د (انفجاری)، ذ، ز، ض، ظ (سایشی)، ر (غلتان)، ژ (سایشی)، ش (سایشی)، ع، ء (انفجاری)، غ، ق (انفجاری)، ف (سایشی)، ک (انفجاری)، گ (انفجاری)، ل (روان)، م (خیشومی)، ن (خیشومی)، و (سایشی)، ی (روان) (مدرسی قوامی، 1390، 45).

در آواشناسی، **واکه** یا **مُصَوَّت**، صدایی در زبان گفتاری است که ویژگی آن بوسیله وضعیت باز مجرای صوتی شناخته میشود که در در اثنای تولید آن، هیچ فشار هوایی در مجرای گفتار و یا بالای حنجره ایجاد نمیکرد. بنابراین جوهر آوایی آن واک است. یک واکه همچنین معمولاً بعنوان هجا شناخته میشود. در تمام زبانها، واکه‌ها

هسته یا اوج هجا را میسازند، در حالیکه همخوانها آغاز و پایان هجا را. در هر حال، بعضی زبانها به صداهاى دیگر نیز اجازه میدهند تا هسته هجا را به وجود آورند مانند حرف «ط» در واژه «عطف» نقطه هجاها یا بخشهای واژه را از هم جدا کرده‌است. واکه‌های فارسی همگی دهانی هستند، یعنی هنگام تولید آنها مسیر بینی، بوسیله نرم کام، مسدود است و از این رو گذر هوا تنها از طریق دهان صورت میپذیرد» (ثمره، 1391، 82). از اساسیترین تفاوت واکه‌ها با همخوانها آن است که نمیتوانند در آغاز واژه‌ها بیایند. واکه‌ها تنها میتوانند در وسط و پایان واژه قرار بگیرند. در زبان فارسی امروز، شش واکه هستند که سه واکه کوتاه (a, e, o) و سه واکه کشیده (ā, ī, u) است؛ و اختلاف آنها کیفی است. یعنی ā با a، ē با i و o با u در چگونگی تلفظ متفاوتند.

در واقع به روشی ساده‌تر میتوان چنین گفت که واکه‌ها یا مصوت‌ها در زبان فارسی شش تا هستند و صامت‌ها به وسیله آنها ادا میشوند. از ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها، بخشها و از ترکیب بخشها، واژگان به‌وجود می‌آیند. برخی واژگان یک بخشی و برخی دو یا چند بخشی هستند. واژگان معنادار یک بخشی حداقل از دو و حداکثر از چهار صدا تشکیل شده‌اند که در واژه‌های چهارصدایی، حداقل یکی از صامت‌ها امتدادپذیر است و واکه‌ها یا مصوت‌ها در زبان فارسی دو دسته بلند و کوتاه هستند. واکه‌های بلند سه تا هستند (آ - او - ای).

در میان تمامی واکه‌های فارسی، تنها واکه آ است که حرف اختصاصی در دبیره فارسی دارد. برای نمایش دو واکه بلند او و ای بطور قرصی از دو همخوان (صامت) 'و' و 'ی' استفاده میشود که به آنها حروف صدادار هم میگویند. واکه‌های کوتاه نیز سه تا هستند. (زبر (فتحه) - زیر (کسره) - پیش (ضمه)) نامیده میشوند که در موارد ابهام‌زدایی بصورت سه نشانه (ـَـ) به حروف اضافه میشوند. چون در حروف الفبا نماینده ندارند در مقابل حروف (اشکال) به آنها حرکات (نشانه‌ها) میگویند. مصوت کوتاه ـ اگر به تنهایی بیاید حرف ربط است که با حرف و نمایش داده میشود.

همچنین در برخی واژه‌ها واکه کوتاه ـ با حرف و نمایش داده میشود مانند: (میکروسکوپ) آوانویسی : (microskop) همچنین اگر در پایان واژه بیاید با حرف و نمایش داده میشود مانند: تو (آوانویس to). مصوت‌های کوتاه اگر در آغاز واژه بیایند با حرف ا یا ع نمایش داده میشوند مانند: اسب (آوانویسی: asb)، اسم (آوانویسی: esm)، امید (آوانویسی: ommid)، عمو (آوانویسی: amu)، عرفان (آوانویسی: erfān) عمران (آوانویسی: omrān).

انواع فرایندهای آوایی (phonetic process)

فرایندهای آوایی، نتیجه تأثیر آواها بر یکدیگر و دگرگونی همخوانی و واکه‌ای است که به هنگام همنشینی در زنجیره گفتار روی میدهد. گاهی در کلمه یا سخنی دگرگونی آوایی پدید می‌آید؛ باین معنی که واج یا واجهائی از آن حذف میشود یا تغییر مییابد؛ مانند: ماه، گیاه، از، اگر و قفل که میشوند: و، گیا، ز، گر، ار، قلف. دگرگونی و حذف واجهای کلمه اقسامی دارد از قبیل؛ ابدال، تخفیف، ترخیم، قلب، نحت و تصحیف. در واقع دگرگونی و حذف واجها طبق قوانین زبانشناسی و ادبی مطابق قانون اصل زحمت کمتر و قرینه سازی و آسانگردانی سخن صورت میگیرد (مجد، 1400، 22).

ابدال (جایگزینی):

گاهی پاره‌ای از حروف و واجها بخصوص آنها که مخرج و واجگاهشان مجاور و نزدیک یکدیگرند بهم بدل میشوند. این عمل را ابدال یا تبدیل میگویند؛ مانند؛ سپید و سفید، ورافتادن و برافتادن، توت و تود، فام و پام. گاهی این

تبدیل بین واجهائی که هم واجگاه نیستند نیز صورت میگیرد مانند چوپ و چوغ. از عوامل مهم دیگر ابدال سنگینی حروف و هجاها و دشواری تلفظ آنهاست؛ مانند ابدال حرفهای سنگین همزه و عین به حرفهای دیگر. مانند جزء، نشی، و تبرؤ که میشوند جزو، نشو و تبری (همان: 22).

«تبدیل همخوان یا واکه‌ای را که در اثر مجاورت با همخوان یا واکه دیگر صورت میگیرد؛ ابدال نامند. ابدال گاهی بدون تأثیر بافت نیز صورت میگیرد که صرفاً نام ابدال بر آن نهاده شده است» (کلباسی، 1370، 19). برخی از زبان‌شناسان گذشته و معاصر، این جابجایی را مطلق دانسته و ارادی پنداشته‌اند، درحالیکه قیدی در تعریف آن وجود دارد که لزوماً «غیر ارادی» باشد؛ زیرا در آن صورت، گویا به اهالی زبان الهام میشد که عمداً صداها را جابه‌جا ادا کنند (معین، 2001، 29). در زبانهای چون فارسی و عربی، تلقی دوگانه یا چند گانه‌ای از بسیاری از واژگان وجود دارد. مثلاً اگر از صدای حاصل از تلفظ واژه «سَقَر» همین شکل نگارشی به ذهن همه میرسد، پس نباید اختلافی در کار باشد، ولی با شنیدن تلفظ آن، املاي «سَقَر» در ذهن گروهی، و نیز املاي «صَقَر» در ذهن گروهی دیگر و همچنین انلاي «زَقَر» در ذهن برخی دیگر نقشه میبسته است (ابن جنی، 1993، 196/1).

اقسام ابدال:

ابدال اقسامی دارد، از جمله میتوان آن را بدو قسم عمده تقسیم کرد:

1. ابدال مصوتها 2. ابدال صامتها.

ابدال مصوتها به چندین دسته تقسیم میگردد:

1. مصوت کوتاه ضمه (ـُ)، قبل از هجائی که با مصوت بلند «او» (u) پایان یابد به مصوت «و» کوتاه بدل میشود: یعنی به جای ـُ، او تلفظ میکنیم ولی آنرا با کشش کوتاه بکار میبریم. خروج=خوروج (مستوفی، 1398، ص 5 و 7)، أفتد=وفتد (همان، 292).

2. مصوت کوتاه کسره، پیش از صامت «ی» (نیمه مصوت ی) بدل به «ی» کوتاه میشود: بیا=بیاء، سیاست=سیاست، بیاور=بیاور.

3. مصوتهای بلند a, u, i، قبل از نون ساکن، کوتاه تلفظ میشوند: چون (همان، 192، 210، 229)، چنین (همان، 211، 295).

4. گاهی مصوتهای کوتاه کسره و ضمه، در شعر بدل به مصوت بلند میگردند مانند کسره شب و بیم و حال در این بیت حافظ:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل کجا دانند حال ما سیکباران ساحلها

این مورد در نزهة القلوب نیز به شکلهای مختلفی مثل؛ به کار رفته است: میان کوه (مستوفی، 1398، 193)، آب زمزم (همان، 30)، کرامات سلمان (همان، 45)، آب گر (همان، 123).

5. مصوت بلند «ا» پیش از «ه» بطور فعال و قیاسی بدل به مصوت کوتاه فتحه میشود: گاه=گه، شاه=شه. گاهی الف بصورت سماعی بدل به فتحه میگردد: بازارگان=بازرگان، گذار=گذر، گاز=گزیدن، خاموش=خمش، دهان=دهن (مجد، 1400، 23).

این موارد در نزهة القلوب نیز بصورت زیر بکار رفته است: آنگاه=آنگه (مستوفی، 1398، 53)، میستانده‌اند=میستده‌اند، دهان=دهن (همان، 203)، شاه=شه (همان، 127).

6. ابدال مصوت بلند «و» به «_»، کوتاه: کوه=کُهِ، اندوه=اَنْدُهِ، توضیح اینکه این مصوت در قدیم بصورت مجهول کشیده تلفظ میشده است. در نزهت‌القلوب نیز این نمونه بصورت؛ فراموش=فرامُش (همان، 231). ارومیه=اَرُمِیه (همان، 85)، کوه=کُهِ (همان، 195)، بیستون=بیستُن، بیرون=بیرون، (همان، 94)، پیرامون=پیرامُن (133). مصوت بلند «و» بصورت غیرمجهول نیز گاهی بدل به مصوت کوتاه ضمه میگردد؛ بیهوده=بیهِده، بود=بُد.

7. ابدال مصوت فتحه، بمصوت بلند «ا» در قدیم: همواره=هامواره، مهار=ماهار، در نزهت‌القلوب نیز این مورد بصورت زیر بکار رفته است؛ مقدونیه و «ماقدونیه» (همان، 277)، دارد و «داراد» (همان، 28)، کند و «کناد» (همان، 28)، گرداند و «گرداناد» (همان، 30)، گذر و «گذار» (همان، 289).

ابدال مصوت بلند «ی» به کسره، نظیر: دیگر=دِگر، چیدن=چِدن، است و در نزهت‌القلوب بدین صورت آمده است؛ برزیگر=برزگر (همان، 134)، بیرون=برون (همان، 94)، هیجده=هجده (همان، 34، 183، 249)، دهی و «دیهی» (همان، 216).

8. ابدال مصوت بلند «و» به مصوت بلند «ی»، هنوز=هنیز، کلوچه=کلیچه.

9. ابدال مصوت کوتاه کسره به ضمه؛ پسر=پُسِر، بگشا=بُگشا، کاوش=کاوُش.

10. ابدال مصوت کوتاه فتحه به کسره؛ مانند خانه=خانِه (همان، 3، 5).

ابدال صامتها:

صمتهای بویژه در مواردی که مخرج و واجگاهشان مجاور هم باشد (قریب المخرج باشند) بهم تبدیل میگردند، بنابراین صامتها را میتوان از لحاظ واجگاه به دو دسته تقسیم کرد: مجاور (قریب المخرج) و غیرمجاور (مجد)، 1400، 23.

صامت‌های مجاور:

لبی مانند: م، ب، پ/لبی و دندانی مثل: و، ف/دندانی: ن، ت، د، س، ز/پیشکامی: ش، ژ، ل، ر، چ، ج/میانکامی: ی/ پسکامی: ک، گ/ملازی (پس زبانی): خ، غ/حلقی:ء، (همان، 23).

ابدال صامت‌های مجاور:

این نوع از ابدال به دلیل تبدیل واجهای بی‌واک به واجهای واکدار و یا واجهای واکدار به واجهای بی‌واک شکل میگیرند. مثلاً: ابدال «ب»/b/ به «پ»/p/؛ «سب» به «اسپ» (مستوفی، 1398، 33، 109) یا «بسین» و «پسین» (همان، 183)، بیغوله (همان، 189) به پیغوله (همان، 193).

ابدال «ج»/j/ به «ش»/sh/ هجده و هشده (183) یا ابدال «ج»/j/ به «ژ»/zh/ «هجده» و «هژده» (همان، 34)؛ کج و «کژ» (همان، 204).

ابدال «س»/s/ به «ش»/sh/؛ «چسمه» به «چشمه» (همان، 73).

ابدال «چ»/č/ به «ش»/sh/؛ چنبر و «شنبر» (همان، 231)

ابدال «گ»/g/ به «ک»/k/؛ «شگاف» و «شکاف» (190) یا «افگند» و «افکند» (همان، 191).

ابدال «ج»/j/ به «گ»؛ «گیلان» و «گیلان» (همان، 91).

ابدال «ج»/j/ به «چ»/ch/؛ «نخجیر» و «نخچیر» (همان، 32، 119) یا «پنج» و «پنج» (همان، 194).

ابدال «ز»/z/ به «ژ»/zh/؛ «ارزن» و «ارژن» (همان، 187).

ابدال «ف»/f/ به «پ»/p/؛ سفید و «سپید» (همان، 131)؛ «فیل» (همان، 76) و «پیل» (همان، 212).

ابدال «ج»/j/ به «گ»/g/؛ زاج و «زاگ» (همان، 188)؛ جوز و «گوز» (همان، 83).

ابدال صامتهای غیرمجاور

این گونه ابدال میان صامتهایی رخ میدهد که جایگاه تولیدشان از یکدیگر دور است.

ابدال «ف»/f/ به «ب»/b/؛ «گشتاسف» و «گشتاسب» (همان، 140).

ابدال «ا»/a/ به «u»/u/ «ستان» و «ستون» (همان، 177) ... «مازندرون» و «موزاندرون» (همان، 192).

ابدال «ه»/h/ به «م»/m/ «گرهرود» و «گرمرو» (همان، 69).

ابدال همزه/ء/ به «ی»/y/؛ «قائم» و «قایم» (همان، 85).

ابدال «ب»/b/ به «ف»/f/؛ «خبر» و «خفر» (همان، 116).

ابدال «د»/d/ به «ی»/y/؛ «گلپادگان» و «گلپایگان» (همان، 69).

ابدال همزه/?/ به «و»/w/؛ جزء و «جزو» (275)؛ اریب و «وریب» (همان، 54).

ابدال دو واج در یک واژه:

در برخی موارد این نوع ابدال در یک واژه رخ میدهد تا جاییکه آن واژه هدف، واژه دیگری به نظر میرسد.

ابدال دو واج صامت:

ابدال واجهای «پ»/p/ و «ی»/y/ به «ب»/b/ و «د»/d/؛ گلپایگان و «گلپادگان» (69) در این تبدیل همخوان «پ» (انفجاری، انسدادی) به همخوان «ب» (انفجاری، انسدادی)، و همخوان «ی» (روان) به د (انفجاری) بدل شده است. یا در جایی دیگر ابدال واجهای «چ»/č/ و «غ»/y/ به «ج»/j/ و «گ»/g/؛ چغندر و «جگندر» (43). در این تبدیل، همخوان «چ» (لثوی-کامی، انسدادی-سایشی، بی‌واک) به همخوان هم مخرج واکدار خود «ج»؛ و همخوان «غ» (ملازی، انسدادی) به همخوان مجاور خود یعنی «گ» (نرم کامی، انسدادی، واکدار) بدل شده‌اند. تخفیف (سبک‌سازی)

تخفیف یا سبک‌سازی، حذف واج یا واجهائی از سازه، کلمه یا کلامست بمنظور کوتاه و سبک کردن آن، مانند تبدیل «آواز» به «آوا» و «یافتن» به «یافت» و «زودتر» به «زوتر». کلمه تخفیف یافته را مخفف مینامند (مجد، 1400، 24).

تخفیف اقسامی دارد که شامل؛ 1. تخفیف آغازین (تخفیف در ابتدای کلمه و سخن) 2. تخفیف میانین (تخفیف در وسط کلمه و سخن) 3. تخفیف پایانی یا ترخیم (تخفیف در پایان کلمه و سخن) 4. تخفیف و ابدال با هم 5. تخفیف تاریخی.

تخفیف آغازین: گاهی واج یا واجهائی از اول کلمه یا کلام حذف میشود که اقسام آن به این قرار است:

1- حذف همزه و فتحه از آغاز کلمه: «اندرون» و «درون» (2 و 6 و 116)؛ «اشتر» و «شتر» (ص 267)، «افزونی» و «فزون» (ص 13)، «فکندی» و «فکند» (ص 43)، «آورند» و «آرند» (ص 15)، «اکنون» و «کنون» (ص 71). توضیح اینکه حرکت حرف اول پس از تخفیف تابع قاعده خاصی نیست و بصورت سماعی تعیین میشود چنانکه در درون مفتوح است و ش در شتر مضموم است که در فکند با کسره ادا میشود.

تخفیف میانین: گاهی تخفیف و حذف واجها در وسط سازه یا کلمه یا سخن صورت میگیرد، باین معنی که یک یا چند حرف از میان آنها حذف میگردد. قواعد تخفیف حروف وسط گوناگونند که در اینجا نمونه‌هایی ذکر میگردد: حذف «خ» از وسط کلمه: «دُشخوار» و «دُشوار» (مستوفی، 1398، 201)، «سیاوخش» «سیاوش» (همان، 246) حذف «ی» از وسط کلمه: «هوایش» «هواش» (همان، 12). حذف «ه» قبل از «ه»: «به هم» و «بهم» (164)، «بمیان» و «به میان» (همان، 170). حذف «ن» از آخر کلمه: «چون» و «چو» (همان، 159). حذف «ه» از وسط کلمه: «چار» و «چهار» (همان، 159).

تخفیف پایانی (ترخیم):

گاهی تخفیف در پایان کلمه یا گروه صورت میگیرد؛ باین معنی که یک یا دو واج از پایان لغت، حذف میشود، پاره‌ای دست‌نویسان چنین تخفیفی را ترخیم نامیده و بصورت جداگانه‌ای از دگرگونی واجها بررسی کرده‌اند (مجد، 1400، 26). برخی از قواعد ترخیم در کتاب نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی عبارتند از: «بالائین» و «بالایی» (مستوفی، 1398، 282)، «کناری» و «کنار» (همان، 291)، «باکویه» و «باکو» (همان، 75)، «چون» و «چو» (همان، 158).

قلب (metathesis):

قلب یا جایگشت در زبان‌شناسی تغییر ترتیب صداها یا هجاها در یک واژه، یا واژه‌ها در یک جمله است. بیشتر به جابجایی دو یا تعداد بیشتری صدای مجاور اشاره دارد، که با عنوان قلب مجاور یا قلب محلی شناخته شده است مثل: قفل و قلف، استخر و استرخ، هرگز و هگزر. کلمه «metathesis» اصالتاً واژه‌ای یونانی، به معنای جابجایی و یا تغییر است (صفوی، 1379، 65)، در این فرآیند، دو واجی که در آرایش مشخصی در یک واژه وجود دارند، جای خود را با یکدیگر عوض میکنند. بدیهی است که رخداد قلب به اندازه رخدادهای دیگر آوایی، مانند همگونی یا حذف، رایج نیست ولی رخداد منظم آن میتواند در حل برخی مسائل تاریخی زبان، گره گشا باشد؛ به همین دلیل، این فرآیند در زبانشناسی تاریخی، فرآیندی آشنا و ناظر بر پیدایش بسیاری از واژه‌های جدید، بر اساس صورتهای کهنشان است. در ادبیات هم گاه به ضرورت شعری، این فرایند رخ میدهد مانند صورت مقلوب کلمه «کتف» به «کِفت» در شاهنامه فردوسی:

تهمتن بخدمت و گفت ای شگفت به پیکان بدوزم مر او را دو کفت
(شاهنامه، 1386: 241)

شایان ذکر است که این نمونه‌ها را نمیتوان صرفاً ناشی از ضرورت شعری دانست زیرا اصولاً در متون سده‌های نخستین دری، گوناگونی واژگانی مشهود است. یکی از مهمترین دلایل برای وجود این گوناگونی، همانا تأثیر زبان مادری شاعر یا نویسنده است.

نمونه‌های قلب در کتاب نزهت‌القلوب:

این فرآیند معمولاً در گونه گفتاری عامیانه رخ میدهد و در متنهای کهن فارسی، گاه تحت تأثیر تلفظ لهجه نویسنده متن و گاه بر اساس تحول تاریخی واژه، به کار رفته است. مثلاً واژه برف (barf) صورت تحول یافته واژه

وفر (wafr) پهلوی است که در نتیجه قلب واجهای «ف»/f/ و «ر»/r/ و ابدال واج «و»/w/ به «ب» شکل گرفته است. هرچند نزهة القلوب نیز جزو یکی از مهمترین آثار کهن فارسی است ولی این نوع فرایند آوایی برعکس دیگر فرآیندها حضور مشهودی در این کتاب ندارد.

- واژه «سفق» (safgh) صورت تحول یافته واژه «سقف» (saghf) (مستوفی، 1398، 270) است که در نتیجه قلب واجهای «ق»/gh/ و «ف»/f/ رخ داده است.

- واژه «قلف» (gholf) صورت تحول یافته واژه «قفل» (ghofl) (همان، 244) است که در نتیجه قلب واجهای «ل»/l/ و «ف»/f/ رخ داده است.

تراش کلمه (نحت):

تراش کلمه نوعی تخفیف توأم با ابدال است که حذف واجها در آنها بیش از یکی دوتا است. تراش کلمه در زبان فارسی سابقه کاربرد ندارد و اخیراً لغت سازان فرهنگستان واژه‌هایی نامفهوم را به این روش ساخته‌اند مانند پیراپزشکی که در اصل پیرامون پزشکی بوده و «مون» بی‌دلیل از وسط آن افتاده است. یا رزمایش که از «رزم آرمایش» با حذف «ماز» از وسط آن ساخته شده است (مجد، 1400، 27). این نمونه در نزهة القلوب پیدا نشد.

اضافه یا افزایش (addition):

گاهی تحت شرایطی یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه میشود، این فرایند را اضافه میخوانیم، فرایند اضافه نیز مانند فرایند حذف تابع قواعد نظام صوتی زبان است؛ به این تعبیر که هرگاه در ترکیب آواها با هم نوعی همنشینی بین واحدهای زبان بوجود آید که یا بر اساس طبیعت آوایی زبان ثقیل باشد و یا خلاف نظام صوتی زبان محسوب شود. در واقع هنگامی همخوان یا واکه‌ای به یک کلمه اضافه شود. فرایند آوایی رخ داده است. بر این اساس فرایند آوایی اضافه در دو قسم افزایش همخوان و واکه صورت میگیرد. «در زبان فارسی، اضافه شدن همخوان و یا افزایش آن، فرایند اجباری و اضافه شدن واکه، فرایندی اغلب اختیاری است» (افراشی، 1389: 59). اضافه ممکن است در آغاز، وسط یا پایان واژه روی دهد. نمونه‌های فرایند آوایی اضافه در متن ذخیره عبارتند از:

اضافه در آغاز واژه:

در این گونه از اضافه، اغلب یک همزه به اول کلمه افزوده میشود که معمولاً واکه اولین همخوان بعد از خود را میگیرد و آن همخوان، ساکن میشود.

«اندرون» و «درون»، درون در زبان فارسی قدیم در واقع andarun بوده است، ولی بدین دلیل که تلفظ دو همخوان ساکن در آغاز کلمه دشوار است، مطابق قاعده آسان سازی واژگانی با افزودن یک همخوان در آغاز واژه به /andarun/ تغییر یافته است. سپس در دوره‌های بعد، همزه و نون حذف و واکه پس از آن به همخوان بعدی، که در واقع همان همخوان نخستین واژه بوده، داده شده است.

darun→?andarun→darun

- «ایزدخواست» و «یزدخواست»، (185).

اضافه در میانه واژه:

این نوع اضافه نیز با افزودن یک همخوان یا یک هجا یا تبدیل یک واکه کوتاه به واکه کشیده دیگر در میانه کلمه بوجود می‌آید.

- «کند»/konad/ و «کناد»/konad/ (مستوفی، 1398، 28).
- «سومقان»/somaghan/ و «سومیقان»/somighan/ (همان، 59).
- «مغان»/moghan/ و «موغان»/mughan/ (همان، 89).
- «هرمز»/hormoz/ و «هرموز»/hormuz/ (همان، 141).
- «دشوار»/doshvar/ و «دشخوار»/doshkhar/ (همان، 201).
- «خانसार»/khansar/ و «خانیسار»/khanisar/ (همان، 220).
- «هجده»/hejdah/ و «هیجده»/hijdah/ (همان، 249).
- «ده»/deh/ و «دیه»/deyeh/ (همان، 143).

اضافه در پایان واژه:

- «بالائین»/balaeen/ و «بالایی»/balayee/ (همان، 282).

ترکیب دو یا چند فرایند آوایی در یک کلمه:

در بسیاری از موارد دو یا چند فرایند آوایی، در یک کلمه رخ میدهد که در زیر به مواردی از آن در متن کتاب نزهت‌القلوب اشاره خواهیم داشت.

«شستر» و «شوستر» (مستوفی، 1398، 109)، که در آن فرایند آوایی ابدال و اضافه رخ داده است. ابدال در این کلمه، تبدیل همخوان «س» به «ش» است. و اضافه شامل افزودن همخوان «وا» در میانه کلمه میشود.

دگر کلمه یا دگر سازه:

در برخی از مواقع انباشت چندین فرایند آوایی مختلف در یک کلمه یا یک سازه یا گروه، موجب تغییری اساسی در واژه میشود به طوریکه تشخیص واژگان از اصل آنها بسی دشوار میشود. در اینجا به چند مورد از این فرایند در متن کتاب نزهت‌القلوب اشاره میکنیم:

- «کاندرین»، که از ترکیب گروه {که+اندر+این} /ke andar?in/ بوجود آمده است (مستوفی، 1398، 85).
- «موزاندرون»/mavzandarun/ که از ترکیب پروه {موز+اندر+اون} بوجود آمده است (همان، 192).
- «اندرون»/andarūn/، که از ترکیب دو واژه اندر+اون بوجود آمده است (همان، 2 و 6 و 116).
- «برین»/barin/، که از ترکیب دو واژه بر+این بوجود آمده است (همان، 152).
- «بمیان»/bemeyan/ که از ترکیب دو واژه به+میان بوجود آمده است (همان، 170).
- درین»/darīn/ که از ترکیب دو واژه در+این بوجود آمده است (همان، 55).
- «ازین»/azin/ که از ترکیب دو واژه از+این بوجود آمده است (همان، 15).

اختلاف تلفظ:

اختلاف تلفظ واژگان در یک جامعه زبانی پدیده‌ای طبیعی است و در اغلب زبانهای مشهور جهان (مانند انگلیسی، عربی، چینی) دیده میشود. در زبان فارسی نیز اختلاف در تلفظ برخی واژه‌ها یا تغییر تدریجی برخی تلفظها، امری طبیعی و بدیهی است. با بررسی کتاب نزهت‌القلوب نیز متوجه میشویم که تفاوت‌هایی بین تلفظ برخی اعداد در متن این کتاب با فارسی امروزی وجود دارد. برای مثال میتوان به واژه «شش»/šāš/ (4، 18) اشاره کرد که در

فارسی امروزی «شش» /šāš/ خوانده میشود.

از طرف دیگر اعدادی مثل هجدهم (249)؛ با فتحه اول خوانده میشود یعنی هَجْدَه که این نوع تلفظ در فارسی قدیم رایج بوده است. ولی هم اکنون با کسره خوانده میشود «هیجده».

از طرف دیگر عددی مثل پنج در کتاب نزهت القلوب بصورت «پَنج» /panch/ (194) آمده است.

همچنین عددهای دوم و سوم، بصورت‌های مشابه «دوئیم» /doyyom/ (18)، «سیُوم» /soyyim/ (50، 53، 201) آمده است.

نتیجه‌گیری:

آثاری چون نزهت‌القلوب بخش سترگی از گنجینه‌های فرهنگی کشور و آیینی تمام‌نمای فرهنگی مردمانی هستند که در طول تاریخ در پهنه وسیعی از این مرز و بوم زیسته‌اند و به راستی سرمایه ارزشمندی است که در بردارنده هویت ملی ماست. مهمترین ویژگیهای زبانی نزهت‌القلوب شامل فرآیندهای آوایی است که موارد مهمی چون، ابدال، تخفیف (سبک‌سازی)، ترخیم، قلب، تراش کلمه (نحت) را شامل میشود. فرآیند ابدال به دلیل تبدیل واجهای بی‌واک به واجهای واکدار و یا واجهای واکدار به واجهای بی‌واک شکل میگیرند. این نوع فرایند آوایی در کتاب نزهة لقلوب بصورت‌های؛ ابدال صامتهای قریب‌المخرج، ابدال صامتهای مجاور، ابدال صامتهای غیرمجاور، ابدال دو واج در یک واژه، ابدال دو واج همخوان و ابدال مصوتها (واکه‌ها)، ابدال واکه کوتاه به کشیده، ابدال واکه کشیده به کوتاه، ابدال حروف و واجهای فعل، ابدال مصوت‌های ماده ماضی و مضارع فعل، ابدال مصوت‌های ریشه فعل، ابدال دو واج در ریشه فعل؛ نمود یافته است. از دیگر فرآیندهای آوایی در این کتاب ارزشمند؛ قلب (metathesis) و حذف (deletion) است: که فرآیند حذف به ضرورت؛ حذف همزه در آغاز واژه؛ حذف یک هجا ارائه شده است. فرآیند آوایی اضافه یا افزایش (addition) نیز به شکل اضافه در آغاز واژه؛ اضافه در میانه واژه؛ اضافه در پایان واژه آمده است. همچنین مواردی چون دگر کلمه یا دگر سازه؛ صامت (همخوان) میانجی؛ همخوانهای میانجی «ی»، اختلاف تلفظی اعداد؛ نیز بعنوان برخی دیگر از فرآیندهای آوایی در کتاب نزهت‌القلوب تجسم یافته است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دور دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده ادبیات و زبان فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن استخراج شده است. خانم دکتر سپیده سپهری راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای رضا حسینی یکتا بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. و سرکار خانم مریم امیر ارجمند نیز بعنوان مشاور در راهنماییهای تخصصی این پژوهش را تقبل نموده‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش مشترک این سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) نیز کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ibn Jani, Abul Fatah, Othman Ibn (1993), Beirut, Dar al-Kutb al-Alamiya.
- Afrashi, Azita (2009), The Construction of the Persian Language, Tehran, Smit.
- Anuri, Hassan (1387), Persian Grammar 2, 4th edition, Tehran, Fatemi Publications.
- Bijan Khan, Mahmoud (2004), Phonology of Optimism Theory, Tehran, Samt Publications.
- Jam, Bashir (1384), Optimality Theory and its Application in Explaining Phonological Processes of Persian Language, Ph.D. Dissertation in General Linguistics, Tarbiat Modares University.
- Sadeghi, Ali Ashraf (1357), Development of Persian Language, Tehran, Azad University of Iran.
- Modarresi Qavami, Golnaz (2018), Tehran, Samt Publications.
- Majd, Omid, (1400), Tehran, Farhangian University, first edition.
- Farshid Ward, Khosrow (1383); Detailed order today, Tehran, Sokhon.
- (1388), brief historical grammar of the Persian language, Tehran, Zovar.
- Samrah, Yadullah (2011), Phonology of the Persian language (sounds and phonetic structure of syllables), Tehran: University Publishing Center.
- Zolnoor, Rahim (1343), Parsi Order, Tehran, Derakhshan Publications.
- Moin, Mohammad (1342), Farhang Farsi, Tehran, Amir Kabir.
- Mostofi, Hamdollah (1871) Nuzhat al-Qulub, correction and margin: Guy Listrange, Tehran: Asatir Publishing House.
- Safavi, Koreshe (1379), An Introduction to Semantics, Tehran, Hozeh Haneri.
- Ferdowsi, Abulqasem (1379), Shahnameh, edited by Jalal Khaleghi Mutlaq, New York, Bibliotica Persica Publications.
- Kurd Saffronlou Kambozia, Alia (2015), some phonological processes in the Mazandarani linguistic variety, Language and Linguistics, fourth year, first pp. 105-96.
- Mashkova Aldini, Mahdi (1374), Phonetic Construction of Language, Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad Publications.

فهرست منابع فارسی

- ابن جنی ابوالفتح، عثمان بن. (1993). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- افراشی، آزیتا. (1389). ساخت زبان فارسی. تهران: سمت.
- انوری، حسن. (1387). دستور زبان فارسی 2. چاپ چهارم. تهران: انتشارات فاطمی.
- بی‌جن‌خان، محمود. (1384). واج‌شناسی نظریه‌بیهیگی. تهران: انتشارات سمت.
- جم، بشیر. (1384). نظریه‌بیهیگی و کاربرد آن در تبیین فرایندهای واجی زبان فارسی، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، علی‌اشرف. (1357). تکوین زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- مدرسی‌قوامی، گلناز. (1390). تهران: انتشارات سمت.
- مجد، امید. (1400). دستور زبان فارسی. چاپ اول. تهران: دانشگاه فرهنگیان.
- فرشید ورد، خسرو. (1383). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.
- (1388). دستور مختصر تاریخی زبان فارسی. تهران: زوآر.
- ثمره، یدالله. (1391). آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- ذوالنور، رحیم. (1343). دستور پارسی. تهران: انتشارات درخشان.
- معین، محمد. (1342). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- مستوفی، حمدالله. (1398). نزهتالقلوب. تصحیح و حاشیه: گای لیسترنج، تهران: نشر اساطیر.
- صفوی، کورش. (1379). درآمدی بر معناشناسی. تهران: حوزه هنری.
- فردوسی، ابوالقاسم. (1379). شاهنامه. به کوشش جلال خالقی مطلق. نیویورک: انتشارات بیبلیوتیکاپرسیکا.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه. (1395). برخی فرآیندهای واجی در گونه زبانی مازندرانی. زبان و زبان شناسی. سال چهارم، اول صص 96-105.
- مشکوة الدینی، مهدی. (1374). ساخت آوایی زبان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

معرفی نویسندگان

سیدرضا حسینی یکتا: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، زبانهای خارجه و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

(Email: yahossainya@riau.ac.ir)

(ORCID:)

سپیده سپهری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، زبانهای خارجه و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

(نویسنده مسئول: Spdhsepehri@riau.ac.ir)

(ORCID:)

مریم امیرارجمند: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی، زبانهای خارجه و علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

(Email: amirarjmand@riau.ac.ir)

(ORCID:)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Seyedreza Hosseini Yakta: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature, Foreign Languages and Social Sciences, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran.

(Email: yahossainya@riau.ac.ir)

(ORCID:)

Sepideh Sepehri: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature, Foreign Languages and Social Sciences, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran.

(Email: Spdhsepehri@riau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID:)

Maryam Amirarjmand: Assistant Professor in the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature, Foreign Languages and Social Sciences, Roudhen Branch, Islamic Azad University, Roudhen, Iran.

(Email: amirarjmand@riau.ac.ir)

(ORCID:)